



7 دسمبر 2014



داکتر سیدعبدالله کاظم

## آیا اغماض امریکا موجب شد تا افغانستان در دام شوروی افتد؟ (بخش سوم و اخیر)

با وجود ضربه مدھش از این ناحیه به غرور پشتونی داؤد، باز هم او به مجرد رسیدن به مقام صدرات در 1953 بار دیگر به تلاشهای خود ادامه داد. برادرش محمد نعیم وزیر خارجه مورد اعتماد خود را به واشنگتن فرستاد و او بتاريخ 8 اکتوبر 1954 شخصاً با "جان فاستر دالس" دیدار کرد تا برای آخرین بار درخواست کمک نظامی را تقدیم کند [پاورقی (1) در اخیر این بخش دیده شود - مترجم]. دو ماه بعد بتاريخ 28 دسمبر "دالس" به سفیر افغانستان کبیر لودین و در عین زمان به امجد علی سفیر پاکستان اطلاع داد که بعد از رسیدگی دقیق دادن کمک نظامی به افغانستان مشکلاتی را خلق خواهد کرد که با نیروی که به وجود خواهد آورد جبران نمی شود، لذا افغانستان در عوض درخواست سلاح باید منازعه پشتونستان را با پاکستان حل و فصل کند [پاورقی (2) دیده شود - مترجم]. افغانها از این جواب ناراحت شدند، نه تنها از خاطر رد درخواست شان، بلکه بیشتر به این دلیل که درخواست محرمانه آنها را به رقیب پاکستانی شان با تزریق معضله حساس پشتونستان افشا کردند. یک ماه بعد در اوایل 1955 داؤد باب مذاکره را با اتحاد شوروی درباره کمک های نظامی آغاز کرد، آنچه را که از مدتها قبل شوروی خواهان آن بوده ولی افغانها قبلاً از آن طفره میرفتند. در همین سال معضله پشتونستان موجب شد که افغانستان و پاکستان تا سرحد جنگ پیش بروند و در نوامبر همان سال لویه جرگه که عالی ترین مرجع سیاسی در افغانستان است، تدارک اسلحه را تأیید کرد [پاورقی (3) دیده شود - مترجم]. در ماه دسمبر "بولگانین" و "خروسچف" به افغانستان سفر کردند و حمایت خود را از قضیه پشتونستان و نیز تجهیز مکمل اردو و قوای هوایی افغان ابراز نمودند.

در اوایل 1956 واشنگتن به سفیر "وارد" در شام روز عزیمت او هدایت داد تا به داؤد در باره خطرات نفوذ شوروی هوشدار دهد. او داؤد را متوجه ساخت که کمک اقتصادی شوروی یک اساس بنیادی لوژستیکی برای یک تهاجم بعدی شوروی خواهد بود. اعمار سرکها و پلها، ذخیرگاه های تیل و اعمار سیلوها، ساختن تونل سالنگ و شگافتن کوه های بزرگ مانع تهاجم، همه نشانه های آنست. علاوه او داؤد را متوجه خطری ساخت که از ناحیه تعلیم و تربیه افسران نظامی در اتحاد شوروی صورت میگیرد که در نتیجه آن ستون پنجم در قلب قوای مسلح افغان ایجاد خواهد شد. همه اینها بعد از 21 سال تحقق یافتند، اما در آنوقت داؤد مغرورانه به اخطارهای امریکائی ها توجه نکرد و گفت که او میدانند چگونه با شوروی ها معامله کند. او از اینکه اضلاع متحده از دادن کمک نظامی به افغانستان امتناع ورزید، شکایت کرد و شکایت او استوار بر بعضی دلایل بود، اما آیا میتوان مواجه ساختن کشور را به چنین تحول عاقلانه دانست؟

مشکل کمک نظامی حایز پیچیدگی بزرگ در ارتباط با قضیه پشتونستان بود. این موضوع بسیار زیاد مغلط است که در این مقاله مورد بحث قرار گیرد. در ظاهر معلوم میشود که موقف افغانها یعنی تأکید بر توسعه ارضی یک ادعای نامعقول و غیر عملی باشد؛ اما در واقعیت این سؤال با رشته های بسیار حساس ملیگرایانه تماس میگیرد. بسیاری رهبران امریکا حوصله کمتر با این قضیه افغانها دارند و آنرا طفلانه و خسته کننده میخوانند. آنها قادر نبودند تا عمق احساس افغانها را بطور لازم بررسی کنند یا باریکی های موضوع را که این قضیه در تحرکات سیاست داخلی دارد، به درستی درک نمایند. حقیقتی که از 1893 تأکید همه حکومتهای بعدی در هر دوره بر موضوع پشتونهای سرحد یک موضوع جدی ملی بوده است، برافکار امریکائی ها تأثیر نکرد. متأسفانه افغانها نیز این موضوع را با پروپاگندهای گوش خراش و ادعای های از حد زیاد مغشوش مطرح ساختند.

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

مشکلات اصلاً قدیمی بود ولی بعداً برمیگردد به تشکیل پاکستان در 1947 و میراثی که از برتانیای باقی مانده بود. برای 200 سال سلطه های پشتون در کابل حکومت میکردند و پشتونها اکثریت نفوس افغان را تشکیل میدادند. در 1893 برتانوی ها خط دیورند را کشیدند و در نتیجه قبایل پشتون در اطراف سرحد بین افغانستان و هند برتانوی تقسیم گردید. این خط اصلاً به هدف تعیین نقاط ساحه نفوذ افغان و برتانیه کشیده شد، اما بعداً شکل سرحدات بین المللی را به خود گرفت. افغانها هیچگاه آنرا با همچو ماهیت قبول نکرده اند، زیرا آن موجب نادیده گرفتن حق "برادران" پشتون آنطرف خط بوده است. پاکستان بعد از استقلال در 1947 خط دیورند را به حیث سرحد بین المللی و پشتون های آنطرف را به حیث اتباع پاکستانی اعلام کرد. بتاريخ 20 جولای 1947 جرگه قبایل تشکیل شد و مردم در ساحات ایالت شمال غربی با مراجعه به آرای عمومی پیوستن خود را به پاکستان اعلام کردند. تنها انتخاب دیگر پیوستن به هند هندو بود که البته برای پشتون های مسلمان پیوستن به آن جانب غیر قابل باور بود. افغانستان بر نحوه مراجعه به آرای عامه اعتراض کرد و در 1947 عدم رضایت خود را ابراز نمود و یگانه کشوری بود که علیه شمول پاکستان به عضویت ملل متحد رأی داد. کشیدگی بین دو کشور به جنگ تبلیغاتی علیه یکدیگر منجر شد. به مقصد وارد کردن فشار بر افغانها، در 1950 و بعداً در 1955 پاکستان موانع را در راه ترانزیت اموال تجارتي بر افغانستان محاط به خشکه وضع کرد. افغانها برای انتقام سرو صدای پشتونستان آزاد را متشکل از قبایل در حدود ارضی پاکستان بلند کردند. پاکستان این ادعا ها را نادیده گرفت و آنرا به حیث یک تلاش پنهانی افغانستان جهت راه یافتن به بحر تلقی کرد.

افغانستان در پالیسی حقوق پشتونها حمایت سیاسی امریکا را نه تقاضا کرد و نه توقع آنرا داشت، اما آنها امیدوار بودند تا یک بررسی آفاقی در موضوع صورت گیرد و عمیقاً از اینکه امریکائی ها ادعای شان را تردید کردند، ناراضی شدند. بطور مثال، بتاريخ 28 اپریل 1953 هنگامیکه معاون رئیس جمهور "نکسن" (Nixon) از کابل دیدار کرد، او به داؤد دربارهٔ موقف نادرست موضوع پشتونستان لکچر داد. به اساس گفته یک شاهد عینی، نکسن بطور آمرانه، با الفاظ شدید و تهاجمی موقف افغانها را یک عمل بیخردانه وانمود کرد. در ادامه همین سفر نکسن به پاکستان رفت و پالیسی افغانستان را در مورد پشتونها شدیداً مورد انتقاد قرار داد [پاورقی (4) دیده شود - مترجم]. دیپلومات های امریکائی از این توضیحات یکطرفه نکسن درقبال تلاش شان جهت قناعت دادن رهبران افغان از بیطرفی امریکا ناراحت شدند و این تلاشها وقتی مورد شک و تردید قرار گرفت که اضلاع متحده رسماً متحد نظامی با پاکستان شد.

داؤد همیشه یک ملیگرای جدی پشتون بود و هنگامیکه او در 1953 به مقام صدارت رسید، مشکلات با پاکستان بسیار حاد گردید. در مارچ 1955 حکومت پاکستان ادغام تمام ایالات پاکستان غربی را در سیستم "یک واحد" (One Unit) اعلام کرد و آن مشتمل بود بر ایالت بیشتر پشتون نشین مسما به "صوبه سرحد شمال غربی". داؤد و اکثر افغانها اینکار را توجیه به تخریب هویت پشتونها کردند و آنرا مقدمه ادغام با اکثریت پنجابی ها دانستند. بتاريخ 30 مارچ 1955 رنجیدگی افغانها در رادیو و نشرات حکومتی شدیداً انعکاس یافت که منجر به خشونت گردید. در رویداد مسما به "حادثه بیرق" یک تعداد به سفارت پاکستان در کابل حمله کردند و بیرق را آتش زدند. عناصر بسته به حکومت در پاکستان برای انتقام به قونسلگری افغان یورش بردند و هردو کشور در آستانه جنگ قرار گرفتند. پاکستان راه ترانزیت را به روی افغانها بست که در اثر آن صدمهٔ شدید به اقتصاد افغانستان وارد گردید [پاورقی (5) دیده شود - مترجم]. اضلاع متحده دست های خود را روی هم گذاشت و نفوذ دیپلماتیک خود را در افغانستان از دست داد و نیز نخواست متحد خود پاکستان را زیر فشار قرار دهد.

از طرف دیگر اتحاد شوروی توانست از این وضع استفاده نماید که کرد. در این موقع حساس شوروی ماهرانه بسوی نجات افغانستان از طریق پیشکش امکانات ترانزیت و همچنان حمایت سیاسی و کمک های نظامی قدم به پیش گذاشت. بتاريخ 21 جون 1955 افغانستان موافقتنامه ترانزیت را با اتحاد شوروی امضا کرد که برطبق آن یک قسمت زیاد اموال تجارتي افغانستان از طریق اتحاد شوروی انتقال می یافت. بتاريخ 14 دسمبر 1955 بولگانین و خروسچف به کابل رسیدند و بتاريخ 18 دسمبر امضای سه موافقتنامه اعلام گردید :

- 1 - قبولی قرضه 100 میلیون دالر از طرف شوروی،
- 2 - تأیید قرارداد بیطرفی و عدم تجاوز 1931،
- 3 - اظهار حمایت شوروی از قضیه پشتونستان.

د پانوی شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
پاډونه: دلپکنی د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

یک موافقتنامه چهارم نیز بطور سری امضا شد که تا 25 اگست 1956 اعلام نگردید، آنهم درباره دادن کمک های نظامی به افغانستان. این ها همه پیشنهادهای بودند که داود نمینوانست آنرا رد کند.

همچنان "حادثه بیرق" نیز در ماه سپتمبر 1955 از طریق میانجیگری مصر، ایران و عربستان سعودی به کمک سفارت امریکا حل گردید که افغانها آنرا توأم با نا رضایتی محسوس قبول کردند و از نتیجه آن عمیقاً تأثر داشتند و از وضع ضعیف اقتصادی و نظامی خود ناراحت بودند. ما [مقامات امریکائی] باید از خواسته هائیکه نعیم هنگام دیدار خود با دالس برای جلب کمک نظامی کرده بود و ما آنرا رد کرده و برعکس به پاکستان دادیم، در آنوقت تجدید نظر میکردیم. در آنوقت یک حالت هیجان انگیز و متشتت در باره حمایت امریکا از افغانستان وجود داشت که افغانها ناگزیر به قبول کمک های اقتصادی، سیاسی و نظامی شوروی گردیدند.

## نتیجه

تصامیم سرنوشت سازی که حکومت داود بین سالهای 1953 و 1956 گرفت، استقلال افغانستان را مواجه به خطر کرد. این تصامیم حاصل یک تعداد حوادث باهم مربوط بود، از جمله میتوان پالیسی نامعقول پشتونستان داود و رجوع بیصبرانه او بسوی مدرن ساختن کشور در ساحه اقتصادی و نظامی را نام برد. این پالیسی ها مطابقت داشت با علایق مجدد اتحاد شوروی و سیاست "تعیین سرنوشت" آنها جهت راه یافتن به بحر هند، پس از آنکه قوای بازدارنده برتانوی از آنجا بیرون شد و نیز برای آنکه در برابر اقدامات امریکا مبنی بر تشکیل "ردیف شمالی" (Northern Tier) مانع ایجاد کند. شوروی هنرمندانه از آسیب پذیری افغانها و رنجیدن آنها از بیفتاوتی امریکا و لاجواب گذاشتن آرزومندی ها و علایق حیاتی شان استفاده اعظمی کرد. قضیه پشتونستان که امریکا به آن توجه نکرد و آنرا به نظر کم دید، مبدل به یک وسیله مهم برای موفقیت شوروی گردید. اینکار موجب اهانت، انزجار و انتقامجویی افغانها شد و چشم بصیرت رهبران افغان را در قبولی کمک های نظامی که شوروی میخواست از آن به مقصد آماده سازی زیر بنائی تهاجم استفاده کند، کور کرد. در طول این سالهای دشوار دیپلماسی امریکا با تعلل، ابهام و ناتوانی در متوقف ساختن نفوذ شوروی عمل کرد. پروگرام امداد امریکا بسیار بطی، غیر مؤثر و فاقد ثبات و قاطعیت بود و نتوانست جلو امتیازاتی را بگیرد که کمک نظامی و سیاسی در حمایت از پشتونستان بطور ماهرانه و منظم به شوروی امتیاز بخشیده بود.

اشتباه اساسی دیپلماسی امریکا در این سالهای دشوار نتیجه مستقیم از نا مناسب بودن خدمات خارجی آن بود که از فقدان تجربه در درک و تحلیل صحیح انگیزه های افغانی و ارزش های فرهنگی آن نشأت کرد. همچنان فقدان حیثیت و نفوذ لازم برای آگاهی رهبران سیاسی امریکا درباره اهمیت ستراتژیک افغانستان و نتایج نامطلوب سقوط آن کشور زیر نفوذ کامل شوروی عامل دیگر بود. پالیسی سازان آنوقت امریکا گرفتار تخیلات ترکیه، ایران و پاکستان شدند و باید همیشه به تقویه استحکامات خود علیه توسعه جویی کمونیست ها ادامه می دادند. از نظر آنها این کار در مورد افغانستان یک عامل اغماض در امنیت منطقه بود. آنها در سال 1980 دفعتاً متوجه اشتباه خود شدند که بسیار دیر بود. (پایان مقاله)

در پایان باید گفت که مسئله پشتونستان که در سابق مایه کشیدگی بین دو کشور همسایه افغانستان و پاکستان بود، در قبال شرایط جنگ سرد به مجادله بین المللی بین دو ابر قدرت تبدیل گردید، طوریکه امریکا به جانبداری از متحد خود پاکستان از تهیه کمک های نظامی به افغانستان طفره رفت و شوروی با استفاده از اوضاع به حمایت از سیاست پشتونستان حاضر به تقویه نیروی نظامی افغانستان شد و در نتیجه این کشمکش که بیشتر ناشی از اغماض امریکا در اهمیت ستراتژیک افغانستان بود، زمینه را برای تحقق آرزومندی دیرینه شوروی بر پخش نفوذ بر افغانستان مهیا کرد و پای شوروی را تدریجی و اما عمیق به افغانستان کشانید که عاقبت آنرا پس از کودتای ثور و متعاقب آن تهاجم قوای سرخ شوروی در 26 دسمبر 1979 همه شاهد بوده ایم و در نتیجه آن مصیبت های جاری از آنروز تا حال در کشور ما یکی پس از دیگر رونما گردیده است.

از دسمبر 2001 بدینسو که امریکا پس از سقوط طالبان با تدویر کنفرانس "بن" شالوده نظام جدید را در افغانستان گذاشت و از آن تاریخ تا امروز بیش از 2500 جوان خود را در جنگ های افغانستان از دست داد و میلیارد ها دالر را به مصرف رسانید، همه و همه نتیجه همان کوتاه نظری و ناعاقبت اندیشی مجریان امور اضلاع متحده بود که افغانستان

د پانوی شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
پاډونه: دلپکنی د لپکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

را گذاشت تا به دام شوروی افتد. اکنون بار دیگر شرایط طوری پیش آمده که اگر امریکا سهو سابق را تکرار کند و افغانستان را از الویت سیاست منطقی خود خارج سازد و باز به جانب پاکستان میلان پیدا کند، به یقین که تاریخ بار دیگر به ضرر آنها تکرار خواهد شد و این بار افغانستان بصورت قطعی در دست تروریست ها و افراطیون قرار خواهد گرفت و به مرکز تروریسم بین المللی مبدل خواهد شد. امریکا باید بداند که اتکا به پاکستان و فریب حرفهای دولتمردان آن کشور را خوردن و به وعده های آنها اعتماد کردن مثل "سرمه آزموده" است که نباید باز آزمود. پاکستان از امریکا همیشه به قسم یک "گاو شیری" استفاده کرده و هنوز هم میکند و سالانه مبالغ گزاف را بنام "مبارزه علیه تروریسم" میگیرد، درحالیکه ریشه اصلی تروریسم در آن کشور بوده و تروریست ها در هزارها مدرسه آنجا بوسیله آنها و به پول کمکی امریکا و عرب ها پرورش می یابند.

\*\*\*\*\*

#### پاورقی (1):

جارج مکگی معاون وزرات خارجه امریکا در کتاب خاطرات خود چنین می نویسد: «یک تفصیل جالب توجه پیش از دیدار ما از کابل در سال 1951 رخ داد و آن وقتی بود که دوست خوب من سفیر افغانستان محمد نعیم به دیدن من در وزارت خارجه آمد. او گفت که آمده تا کمک نظامی ایالات متحده را مورد بحث قرار دهد و اشاره نمود که اگر این کمک نزدیک و مشهود نباشد، شاید افغانها مجبور شوند با روسها مفاهمه کنند. من با این احساس که وی از اتکای حکومت افغان بر کمک نظامی روسی که بیهودگی آن عیان و آشکار بود، لاف زده می ترساند، گوشک تلفون را گرفتم و از سکرتر خود خواستم که نمبر تلفون سفارت روسی را برابم پیدا کند. من آنرا روی یک توتنه کاغذ نوشته و بدست شهزاده نعیم دادم که در نتیجه هردوی ما خندیدیم.» (پولادا: کشور شاهی... صفحه 197) آنچه را مکگی در آنوقت "لاف و تهدید" حساب کرد و کمک نظامی روسی را به باد مسخره گرفت، سه سال بعد تحقق پذیرفت.

#### پاورقی (2):

«واضح است که پس از دیدار مکگی از کابل در سال 1951 و تبادل نظر بین محمد نعیم و دالس در سال 1954 مسئله کمک نظامی برای افغانستان دیگر موضوعی نبود که رهبران امریکائی در برابر آن بی تفاوتی محض اختیار کنند. جنگ سرد به شدت جریان داشت و پاکستان در شرف آن بود که با امریکا رسماً متحد شود. ایالات متحده در هر دو موقع منازعه پشتونستان را به حیث یک رکن اصلی در درخواستهای حکومت افغانستان برای کمک نظامی دخیل ساخته و خود را در آن وضع نا آرام قرار داده بود که می بایست بین یک متحد یعنی پاکستان و یک دوست یعنی افغانستان یکی را انتخاب کند و به ناچار متحد را انتخاب کرد.» (پولادا: کشور شاهی... صفحه 200)

#### پاورقی (3):

محمد داؤد خان وقتی از گرفتن کمک نظامی امریکا مأیوس شد، تصمیم گرفت لویه جرگه را در 22 عقرب 1334 (13 نوامبر 1955) دائر کند و دو موضوع را مطرح سازد: یکی اینکه آیا حکومت افغانستان پشتیبانی از پشتونستان را ادامه دهد؟ و دیگر اینکه اگر جواب مثبت باشد، آیا حکومت باید نیروی مسلح خود را بهروسیله که بتواند، تقویه کند؟ لویه جرگه در جواب سوال اول فیصله کرد که: بلی! این وظیفه حکومت افغانستان و مردم آنست که از تعیین سرنوشت برای مردم پشتونستان حمایت کند و در جواب سوال دوم فیصله نمود که حکومت افغانستان باید قوای مسلح خود را از هر راه و وسیله ممکن و بهر طریقی که شرافتمندانه قابل حصول باشد، مجهز و تقویه نماید. علاوه لویه جرگه اعلام کرد که به هیچ صورت علاقه های پشتونستان را برخلاف میل و آرزوی خود ملت پشتونستان جزء خاک پاکستان ندانسته و در این مورد تصویب مورخ 23 میزان 1334 مجلس شورای ملی و اعیان را تائید و تصدیق میدارد.

#### پاورقی (4):

لیون پولادا در مقاله اش مختصر از نحوه برخورد شدیدالحن نکسن حین دیدار از کابل ذکر کرده است و اما جای تعجب است که در کتاب "کشور شاهی... که با شرح و بسط فراوان به بررسی مسائل پرداخته است، از جریان سفر نکسن به کابل آنهم در یکی دو جا فقط با ذکر نام او اکتفا میکند. درحالیکه لازم بود از اثرات ناگوار سفر نکسن در کابل که خاطرات بسیار بد از خود بین مردم و حکومت افغانستان بجا گذاشت و در دلسردی و ناامیدی افغانها از ایالات متحده اثر بخشید، بیشتر مکت میکرد.

د پانیو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

پاورقی (5):

هروقت که مناسبات بین افغانستان و پاکستان روبه سردی و بحران میرفت، حکومت پاکستان قیود شدید را در برابر ترانزیت اموال تجارتي افغانستان وضع میکرد چنانچه بار اول در سال 1953 در وقت صدارت شاه محمود خان و بعداً در سال 1955 پس از "حادثه بیرق" و در سال 1961 بار دیگر اینکار صورت گرفت که منجر به قطع مناسبات سیاسی بین دو کشور گردید.

حکومت افغانستان ادعا داشت که مشکلات ترانزیت را نباید با مسئله پشتونستان یکجا کرد، به این دلیل که قرارداد تجارتي 1923 افغان و انگلیس که در عهد امانی به امضا رسیده بود، در آن موافقه شده بود که اجناس وارداتی و صادراتی افغانستان باید آزادانه از طریق هند برتانوی عبور کند. افغانستان استدلال میکرد که چون پاکستانی ها به مسائل مربوط به "خط دیورند" بر معاهدات افغان و انگلیس استناد کرده ادعا میدارند که مفاد چنان معاهدات را از انگلیس ها به ارث برده اند، باید آنها همچنین موافقتنامه 1923 را احترام بگذارند، اما پاکستانی ها به این موضوع توجه نکرده و می گفتند که اگر افغانها میخواهند از مفاد این قرار داد مستفید شوند، باید از ادعای خود در مورد پشتونستان صرف نظر کنند. به این اساس دیده میشود که بین دو موضوع مذکور یک رابطه حقوقی وجود دارد.

---

د پانیو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ